

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده‌اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره‌هایی می‌بینید که متشکل از شماره نکته‌ی تقریر شده و شماره صفحه‌ی مد نظر است (مثلاً ۱۵۰/۵ تقریر ۵ در صفحه ۱۵۰) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام "متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی" می‌توانید ببینید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال می‌شویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : ۰۹۳۶۳۲۱۱۷۳۰، پیام‌رسان‌های ایتا و بله؛

\*- صوت ۱۳۷ اقتضاء الحرمة للبطلان

اقتضاء الحرمة للبطلان العبادۃ :

\*- ۳۰۲/۲ فتیحه الملائک الأول لا تختص بالعباده: نتیجه ملاک اول : شامل توصیلات هم میشود. اون میگوید امری نیست پس امر با همه اطلاقاتش اینجا نیست امر اعم از توصلی و تعبدی؛

\*- ۳۰۲/۶ بل تشمل حاله الجهل أيضاً: فرض کنید یک نماز ۵ رکعتی ۱۰ صبح امر ندارد. شما چه عالم باشید و چه جاهل باشید فرق ندارد این چون مامور به نیست.

\*- ۳۰۲/۷ بل تشمل الغیریه أيضاً: مثال حرمت غیری : صلاتی که نخواندن آن مقدمه ازاله مسجد باشد. نهی از صلاۃ با وجود ازاله در مسجد آمده. وگرنه صلاۃ به خودی خود منهی عنها نیست. پس صلاۃ در حالتی منهی عنها است که چون این ترک صلاۃ مقدمه ازاله کردن است.

پس از ملاک اول اگر برویم یک شمولی داریم که دستان باز است. ولی در ملاک دوم این چنین شمول ندارد.

\*- ۳۰۲/۸ ونتیجه الملائک الثانی تختص بالعباده : مخصوص تعبدیات است ولی در توصل های مطرح نیست چرا در توصیلات مطرح نیست؟ زیرا مثلاً آب کشیدن لباس، در آن تقرب دخالتی ندارد.

\*- ۳۰۲/۹ لأن من یجهل کونها مبغوضه یمکنه التقرب: چرا اختصاص به عالم است زیرا وقتی شما جاهل باشیدی این عمل مورد بغض است ، باز میتوانید قصد قربت کنید زیرا فکر میکنید مورد قربت به سمت مولی است.

خلاص کلام تفاوت بین ملاک اول و ملاک دوم این است که ملاک دوم فقط شامل عبادات است و در تقرب شامل عالم میشود.

\*- ۳۰۳/۱ نتیجه الملائک الثالث تختص بالعباده : چون در ملاک ثالث قصد قربت ملاک است.

\*- ۳۰۳/۲ وبفرض تنجز الحرمه: در صورتی تنجز حرمت است که ما به آن علم پیدا کنیم.

\*- ۳۰۳/۳ وأيضاً تختص بالنهي النفسي: چرا شامل نهی غیری نمیشود. زیرا در جای خود گفتیم زیرا نهی غیری، نه به خودی خود است بلکه از آن جهت که شمولی است در برابر نهی نفسی. مثلاً این میخواهد مقدمه را خراب کند و نهایتاً ذی المقدمه را خراب میکند. لذا عقل حکم نمیکند زشته است وضو نمیگیری بلکه عقل میکند زشت است نماز نخوانی. یعنی عقل زشتی وضو نگرفتن را درک نمیکند.

\*- ۳۰۳/۴ ثم إذا افترضنا أن حرمة العبادة تقتضي بطلانها فإن تعلقت بالعبادة: یک وقت هست که حرمت تعلق میگیرد به کل عبادت و کل عبادت را تحت پوشش قرار میدهد. مثلاً میگوید الصلاة فی دار المغصوبه اینجا حرمت به کل نماز تعلق گرفته است.

گاهی نیز حرمت تعلق میگیرد به جزئی از آن یا به شخص آن؛

اگر حرمت تعلق بگیرد به جزئی از نماز؛ اگر این جزء فاسد شد کل عبادت را فاسد میکند. اگر این جزء را من باز تکرار کنم و درست انجام بدهیم آیا آن کل درست میشود. مثلاً یک جزئی را اشتباه کردم، و باز درستش میکنم. این به شرطی است که تکرار آن جزء ممکن باشد. مثلاً نمیشود رکوع را دوباره انجام داد زیرا نماز را باطل میکند پس جایی تکرار جزء درست است که ممکن باشد آن تکرار.

\*- شرط دو نوع است یک شرط عبادی و یک شرط توصلی :

شرط توصلی در آن تقرب نیست. مثل سفر برای حج. این شرط البته در داخل در خود عبادت نیست و فقط عبادت مقید به آن است حالا با هر نیتی باشد.

شرط عبادی: اگر خود شرط با اینکه بیرون است خودش عبادت باشد قصد قربت در آن مطرح است. مثل وضو. زیرا صلاة مقید نیست به هر نوع شستن صورت و دست بلکه صلاة به وضویی به قصد قربت باشد.

